

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



صورتجلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد (M.Sc)

نام و نام خانوادگی دانشجو: محبوبه میراحمدی در تاریخ ۱۳۸۸/۱۰/۲۹ رشته: مهندسی

کشاورزی - اقتصاد کشاورزی

از پایان نامه خود با عنوان: اثر اعتبارات بر متغیرهای عمده بخش کشاورزی در ایران.

با درجه عالی و نمره ۱۹/۲ دفاع نموده است.

نام و نام خانوادگی اعضای هیات داوری سمت امضاء اعضای هیات داوری

۱- دکتر جواد ترکمانی

استاد راهنما

۲- دکتر بهاءالدین نجفی

استاد مشاور

۳- دکتر زکریا فرج زاده

استاد داور

مراتب فوق مورد تایید است.

مدیر / معاونت پژوهشی

مهر و امضاء



دانشگاه آزاد اسلامی

واحد مرودشت

دانشکده کشاورزی - گروه اقتصاد کشاورزی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

گرایش: اقتصاد کشاورزی

عنوان:

اثر اعتبارات بر متغیرهای عمده بخش کشاورزی در ایران

استاد راهنما:

دکتر جواد ترکمانی

استاد مشاور:

دکتر بهاءالدین نجفی

نگارش:

محبوبه میراحمدی

زمستان ۱۳۸۸

تقدیم به:

مادرم که آرامش را در نگاهش و عشق را در کلامش یافتم

تقدیم به:

پدرم که استواری را از قامتش آموختم

تقدیم به:

خواهران و برادران عزیزم

سپاسگزاری:

می ستایم خدایی را که مایه آرامش ام در سختیها و مشکلات بود و یاریم داد تا رساله خود را با موفقیت به اتمام برسانم. پاس می دارم زحمات بی دریغ و مملو از آموزندگی اساتید ارجمند بخش اقتصاد کشاورزی آقایان دکتر جواد ترکمانی، دکتر بهاءالدین نجفی، دکتر نعمت الله موسوی، دکتر زکریا فرج زاده.

از مساعدت دوستان عزیز آقای مهندس ابوالقاسم برقندان، مهندس مجید پازند، محمود میرانصاری و خانمها مهندس قاسمی، فهیمه شهریاری، عایشه ارفنداک قدردانی می کنم و سپاس بی شائبه ای را به حضورشان تقدیم می نمایم.

چکیده

هدف از این مطالعه، بررسی اثر اعتبارات بر متغیرهای عمده بخش کشاورزی از جمله صادرات محصولات کشاورزی، درآمد ناخالص تولیدکنندگان، اعتبارات اختصاص یافته در دوره بعد به بخش کشاورزی، قیمت نهاده کود و شاخص قیمت تولید کننده است. بدین منظور از یک الگوی خود رگرسیون برداری (VAR) استفاده شد. با استفاده از این روش روابط تعادلی و بلندمدت مورد بررسی قرار گرفت و ضرایب بلندمدت بدست آمد. همچنین، تاثیر تکانه ها با استفاده از معیار تابع واکنش ضربه ای ارزیابی شد. سپس، از معیار تجزیه واریانس جهت تعیین سهم هر متغیر در تغییرات سایر متغیرهای مدل استفاده شد. پس از تایید رابطه تعادلی و بلند مدت، روش تصحیح خطای برداری (ECM) به منظور ایجاد ارتباط بین روابط تعادلی بلند مدت میان متغیرها با نوسانات کوتاه مدت به کار گرفته شد. داده های مورد نیاز این مطالعه برای دوره زمانی ۱۳۸۶-۱۳۶۰ از نشریات و سایت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، بانک اطلاعات اقتصادی PDS و پایگاه اینترنتی صندوق بین المللی پول به دست آمد. نتایج حاصل نشان داد که در بلند مدت اعتبارات بخش کشاورزی بر شاخص قیمت تولید کننده، صادرات محصولات کشاورزی و درآمد ناخالص تولیدکننده و اعتبارات اختصاص یافته به بخش کشاورزی در دوره بعد، تاثیر مثبت و بر قیمت نهاده کود تاثیر منفی داشته است. همچنین، در کوتاه مدت افزایش اعتبارات بخش کشاورزی بر صادرات بخش کشاورزی، شاخص قیمت تولید کننده و اعتبارات دوره بعد بخش کشاورزی تاثیر مثبت و بر قیمت نهاده (کود) و درآمد ناخالص تولید کننده اثر منفی گذاشته است.

واژگان کلیدی: اعتبارات بخش کشاورزی، صادرات محصولات کشاورزی، درآمد ناخالص

تولیدکننده، قیمت نهاده (کود)، شاخص قیمت تولید کننده. الگوی VAR، الگوی ECM.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
آ	چکیده
۱	فصل اول: کلیات
۲	۱-۱- اهمیت موضوع
۶	۲-۱- اهداف تحقیق
۶	۳-۱- فرضیات تحقیق
۷	۴-۱- پیشینه تحقیق
۷	۱-۴-۱- مطالعات داخلی
۱۵	۲-۴-۱- مطالعات خارجی
۲۱	فصل دوم: تئوری و روش تحقیق
۲۲	۱-۲- مقدمه
۲۳	۲-۲- آمار مورداستفاده
۲۳	۳-۲- الگوی خود توضیح برداری
۲۷	۴-۲- ایستایی متغیرها
۳۰	۵-۲- هم انباشتگی
۳۳	۶-۲- آزمون یوهانسن
۳۵	۷-۲- تعیین وقفه بهینه
۳۷	۸-۲- الگوی تصحیح خطا
۳۹	فصل سوم: نتایج و بحث
۴۰	۱-۳- مقدمه

۴۴ ۲-۳- برآورد الگوی خود توضیح برداری (VAR)
۴۶ ۳-۳- بررسی رابطه بلند مدت بین متغیرها با کمک آزمون یوهانسن
۵۲ ۴-۳- توابع واکنش ضربه ای
۵۶ ۵-۳- تجزیه واریانس خطای پیش‌بینی
۵۷ ۶-۳- برآورد رابطه کوتاه مدت بین متغیرها با استفاده از الگوی تصحیح خطای برداری (ECM) ...
۶۰ ۷-۳- خلاصه و نتیجه گیری
۶۲ ۸-۳- پیشنهادات
۶۳ پیوست ها
۷۸ منابع و مآخذ
۷۹ فهرست منابع فارسی
۸۲ فهرست منابع انگلیسی

فهرست جدول‌ها

صفحه	عنوان
۴۱	جدول (۱-۳) آزمون ایستایی در سطح با عرض از مبدأ
۴۱	جدول (۲-۳) آزمون ایستایی در سطح با عرض از مبدأ و روند
۴۲	جدول (۳-۳) نتایج آزمون ایستایی متغیرها در تفاضل اول
۴۲	جدول (۴-۳) نتیجه نهایی آزمون ساکن پذیری بر روی متغیرها
۴۳	جدول (۵-۳) نتایج بررسی ساکن پذیری با وجود شکست ساختاری
۴۴	جدول (۶-۳) تعیین وقفه بهینه
۴۵	جدول (۷-۳) نتایج برآورد الگوی خودرگرسیون برداری
۴۶	جدول (۸-۳) نتیجه آزمون تعداد بردارهای همجمعی
۴۷	جدول (۹-۳) بردارهای همجمعی نرمال نشده
۴۸	جدول (۱۰-۳) بردارهای همجمعی نرمال شده
۵۶	جدول (۱۱-۳) نتایج تخمین الگوی تصحیح خطای برداری

فهرست نمودارها

صفحه	عنوان
۴۹	نمودار (۱-۳) بردارهای همجمعی متغیر وابسته اعتبارات کشاورزی
۴۹	نمودار (۲-۳) بردارهای همجمعی متغیر وابسته شاخص قیمت تولید کننده
۵۰	نمودار (۳-۳) بردارهای همجمعی متغیر وابسته صادرات محصولات کشاورزی
۵۱	نمودار (۴-۳) بردارهای همجمعی متغیر وابسته درآمد ناخالص تولید کننده
۵۱	نمودار (۵-۳) بردارهای همجمعی متغیر وابسته شاخص قیمت نهاد کود
۵۳	نمودار (۶-۳) عکس العمل شاخص قیمت تولید کننده، صادرات محصولات کشاورزی، درآمد خالص تولید کننده، شاخص قیمت نهاد کود، نسبت به شوک وارده به بخش کشاورزی
۵۳	نمودار (۷-۳) عکس العمل شاخص قیمت تولید کننده نسبت به شوک وارده به اعتبارات
۵۴	نمودار (۸-۳) عکس العمل صادرات کشاورزی نسبت به شوک وارده به اعتبارات
۵۴	نمودار (۹-۳) عکس العمل درآمد ناخالص تولید کننده نسبت به شوک وارده به اعتبارات
۵۵	نمودار (۱۰-۳) عکس العمل شاخص قیمت نهاد کود نسبت به شوک وارده به اعتبارات
۵۶	نمودار (۱۱-۳) عکس العمل اعتبارات اختصاص داده شده در دوره جاری نسبت به شوک وارده به اعتبارات

فصل اول

کلیات

۱-۱-۱- مقدمه:

۱-۱-۱- اهمیت موضوع:

رشد و توسعه اقتصادی هر کشوری در گرو فعالیت های تولیدی آن کشور است. کشاورزی اولین فعالیت تولیدی است که بشر برای ادامه حیات خود آن را فرا گرفته است. بخش کشاورزی در اکثر کشورهای جهان و بویژه در کشورهای در حال توسعه از جایگاه اقتصادی و اجتماعی ویژه ای برخوردار است و زیر بنای اقتصادی و استقلال آنها محسوب می شود (اکبریان و زارع پور، ۱۳۸۳). پیشرفت این بخش از چند جنبه بویژه تامین مواد غذایی، مواد اولیه برای صنایع، تهیه ارز و سرمایه برای سایر بخش های اقتصادی، ایجاد بازار مصرف و تامین نیروی انسانی دارای اهمیت زیادی می باشد.

به منظور پیشرفت بخش کشاورزی، علاوه بر استفاده بهینه از منابع موجود، دستیابی به فن آوری نوین نیز ضروری است. در این راستا یکی از موانع عمده رشد و توسعه اقتصادی هر فعالیت تولیدی کمبود سرمایه و عدم بکارگیری مناسب منابع سرمایه ای است. سرمایه، همواره در فعالیتهای تولیدی نقش مهمی را داشته است به گونه ای که بدون آن رسیدن به هدفهای آینده نا ممکن به نظر می رسد. از این رو، از سرمایه بعنوان یکی از مهمترین عوامل تولید در کشورهای در حال توسعه نام برده می شود (چیدری و زارع، ۱۳۷۹).

در ایران، کمبود سرمایه به دلیل تمایل محدود بخش خصوصی به سرمایه گذاری در تولیدات کشاورزی با توجه به ریسک بالا و پایین بودن سود مورد انتظار آن، از مشکلات عمده بخش کشاورزی

محسوب می شود. خارج ساختن زندگی کشاورزان و روستاییان فقیر از چرخه فقر نیازمند تشکیل سرمایه و تامین مالی در جامعه روستایی و بخش کشاورزی است (رسول اف، ۱۳۸۲).

کمبود سرمایه در بخش کشاورزی را بطور معمول می توان با کمک بخش خصوصی (پس انداز)، دولت (بودجه عمومی)، سیستم بانکی (اعتبارات کشاورزی) تامین نمود. در ایران سیستم بانکی بخصوص بانک کشاورزی به عنوان تنها بانک تخصصی فعال در بخش کشاورزی از موقعیت ویژه ای در تامین نیازهای اعتباری تولید کنندگان و کشاورزان برخوردار است (درخشان، ۱۳۷۵).

اعتبارات (رسمی) بطور کلی شامل منابع مالی است که از طریق بانکها با توجه به نیاز متقاضی و در برابر دریافت تعهد، به وی واگذار می شود (شمس الدینی، ۱۳۸۵). بررسی عملکرد سیستم بانکی در بخش کشاورزی نشان می دهد که تا پیش از اجرای قانون اصلاحات ارضی در رژیم گذشته بانک تعاون به عنوان تنها موسسه اعتباری تنها وام های کوتاه مدت در اختیار کشاورزان قرار می داده است. در سال ۱۳۴۸ بانک توسعه کشاورزی تاسیس شد و اعتبارات بلند مدت را در اختیار کشاورزان قرار داد (صدر، ۱۳۸۲). بعد از انقلاب اسلامی نیز سیستم بانکداری توسط دولت توجه خاصی نسبت به بخش کشاورزی و افزایش تولید آن مبذول داشته است. عملکرد بانکهای کشاورزی در کشورهای در حال توسعه به طور کلی حاکی از آن است که این بانکها دارای نقش موثری بوده و باعث تقویت بنیه مالی کشاورزان شده اند. این بانکها همچنین عهده دار تامین منابع مالی مورد نیاز بخش کشاورزی با اهداف چندگانه افزایش تولید، تعدیل درآمدها، تسهیلات، پذیرش فناوریهای جدید و جبران خسارات ناشی از حوادث غیر مترقبه و... شده اند.

بانک کشاورزی به عنوان اهرم اعتباری دولت در بخش اقتصادی کشور نقش مهمی دارد. با توجه به الویتهای تعیین شده در سیاستهای اقتصادی، کشاورزی و پولی دولت منابع مالی را در اختیار کلیه فعالیتهای کشاورزی و صنایع وابسته قرار می دهند. بانک کشاورزی به مثابه ابزاری جهت فعالیتهای مستقیم دولت در امر سرمایه گذاری و تامین منابع مالی می باشد و وظیفه آن به طور کلی عبارت است از اعطای تسهیلات مالی به واحدهای کشاورزی و صنایع وابسته و سرمایه گذاری و مشارکت در واحدهایی که بخش خصوصی تمایل به سرمایه گذاری در آن بخشها را ندارد.

۱-۱-۲- اهمیت اعتبارات در بخش کشاورزی:

به باور برخی از محققین، اعتبار یک ابزار کلیدی برای در هم شکستن دایره باطله "درآمد پایین، پس انداز پایین و تولید پایین" تلقی می شود و سیاستگذاران به منظور کمک و سرعت بخشیدن در امر انتقال کشاورزی، سیاست اعتباری ارزان را مدنظر قرار داده و تجویز نموده اند (موسسه پژوهشهای برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی، ۱۳۷۷). قربانی (۱۳۷۶) معتقد است که اعتبارات یک عنصر کلیدی در نوسازی فعالیتهای کشاورزی است که می تواند محدودیتهای مالی و سرمایه ای زار عین را بر طرف نموده و در افزایش بهره وری و درآمد آنان موثر واقع شود. به باور اکبریان و زارعیپور (۱۳۸۳) اعتبارات می تواند نقش اساسی خود را به عنوان سرمایه در چرخه تولید به خوبی ایفا کند. در صورت فقدان اعتبارات لازم، زارع به اجبار باید مقداری از درآمد خود را که پس از فصل برداشت حاصل می گردد برای تامین هزینه های تولید پس انداز کند که در این صورت مصرف و سرمایه گذاری او کاهش می یابد و از قدرت سرمایه گذاری او در امور زیر بنایی کاسته می شود. اعتبارات کوتاه مدت در تأمین هزینه های جاری و اعتبارات بلند مدت در تامین امکانات سرمایه گذاری زیر بنایی نقش اساسی دارند.

در ایران، مانند بیشتر کشورهای در حال توسعه، می توان از موارد زیر بعنوان دلایل عمده اهمیت اعتبارات در کشاورزی نام برد (شمس الدینی، ۱۳۸۴):

۱. فصلی بودن تولیدات کشاورزی: فصلی بودن تولیدات همیشه یک خلاء موقتی بین پرداخت ها و دریافت های کشاورزان ایجاد می کند. اعطای اعتبارات به تولیدکنندگان کشاورزی این امکان را می دهد که نقدینگی مورد نیازشان را برای دوره های زمانمندی تولید تامین نمایند.

۲. سهمیه بندی اعتبارات: به سبب وجود اطلاعات نامتقارن، دخالت های دولت در تعیین سقف نرخ سود و محدودیت منابع مالی در بخش کشاورزی اعتبارات سهمیه بندی می گردد و بنابراین برخی از کشاورزان نمی توانند میزان اعتباری را که در نرخ سود رایج در بازار اعتبارات تقاضا می کنند بدست آورند لذا با محدودیت نقدینگی مواجه می شوند.

۳. کوچک بودن واحدهای بهره برداری: از آنجائیکه در کشور ما درصد زیادی از واحدهای بهره برداری کوچک می باشند ممکن است نتوانند پس اندازهای اندک خود را در کشاورزی سرمایه گذاری کنند بنابراین تخصیص اعتبارات ارزان قیمت و جهت دهی اعتبارات به سمت کشاورزی کمبود نقدینگی را در این بخش جبران خواهد کرد.

۱-۱-۳- وضعیت اعتبارات در ایران:

تا قبل از سال ۱۳۰۹ شمسی هیچگونه موسسه اعتباری رسمی که به کشاورزان خدمات بدهد وجود نداشت. جهت برطرف شدن این مسئله، در ابتدا بانک تعاون به منظور پرداخت وام های کوتاه مدت تشکیل شد و سپس در سال ۱۳۰۹ تاسیس بانک فلاحتی به تصویب مجلس شورای ملی رسید. و در سالهای بعد صندوق توسعه کشاورزی تاسیس شد که در سال ۱۳۵۲ به بانک توسعه کشاورزی تغییر نام یافت و در سال ۱۳۵۸ بانک کشاورزی فعلی به وجود آمد که هدف اصلی آن اعطای تسهیلات با بهره کم به بخش کشاورزی می باشد که به صورت کوتاه مدت و بلند مدت و تحت عقود اسلامی: قرض الحسنه، مضاربه، مزارعه، مشارکت، جعاله، سلف و فروش اقساطی در اختیار کشاورز قرار می گیرد. اگر به طور مثال به روند اعتبارات تخصیص یافته به بخش کشاورزی در طی سالهای ۱۳۷۰-۱۳۸۳ توجه کنیم، خواهیم دید که میزان کل اعتبارات به جزء در سالهای ۱۳۷۰-۱۳۷۱ که روند کاهشی داشته است از سال ۱۳۷۲ روند افزایشی داشته است و این جریان همچنان ادامه دارد ولی در نحوه تخصیص اعتبارات به هزینه های جاری و هزینه های سرمایه گذاری تغییراتی مشاهده می شود. آنچه ملاحظه می شود این است که از سال ۱۳۷۱ هزینه های جاری درصد بیشتری از کل اعتبارات را به خود اختصاص داده است به طوریکه میزان آن از ۴۰٪ در سال ۱۳۷۱ به ۷۴٪ در سال ۱۳۸۳ رسیده است و هزینه های سرمایه گذاری در طی این سالها از ۶۰٪ به ۲۶٪ کاهش یافته است (بانک کشاورزی، ۱۳۸۶). می توان گفت که توجه بیشتر بانک کشاورزی به تامین هزینه های جاری بوده است. در نهایت برخی از محققین به این نتیجه رسیدند که توزیع اعتبارات تا حدودی باعث بهبود سطح زندگی، درآمد، وضعیت کشاورزی و کاهش مهاجرت روستاییان به شهرها شده است (مرکز

تحقیق و توسعه بانک کشاورزی، ۱۳۷۹). با این حال، اگر در سیاستها و مکانیسم ارائه تسهیلات اصلاحاتی صورت بگیرد. مسلماً تاثیرات مثبت آن بیشتر، مسائل منفی آن کمتر خواهد شد و اعتبارات نقش واقعی خود را در توسعه کشاورزی، روستا و نهایتاً کشور نشان خواهد داد (درخشان، ۱۳۷۵).

به طور کلی اهداف مهم دولت از توزیع اعتبارات توسعه روستایی، افزایش تولید و درآمد کشاورزان، دسترسی بهتر تولید کنندگان به نهاده ها و رفع نیاز به واردات کشاورزی می باشد.

۱-۲- اهداف تحقیق:

با توجه به مطالب فوق، اهداف این مطالعه شامل موارد زیر است:

بررسی اثر اعتبارات کشاورزی بر:

۱. صادرات محصولات کشاورزی

۲. درآمد ناخالص تولید کننده

۳. اعتبارات اختصاص یافته در دوره بعد به بخش کشاورزی

۴. شاخص قیمت نهاده های کشاورزی با تا کید بر نهاده کود (اوره)

۵. شاخص قیمت تولید کننده

۱-۳- فرضیه های تحقیق:

۱. افزایش میزان اعتبارات کشاورزی موجب افزایش صادرات محصولات کشاورزی می شود.

۲. بین اعتبارات کشاورزی و شاخص قیمت تولیدکننده رابطه مثبت وجود دارد.

۳. افزایش میزان اعتبارات کشاورزی باعث کاهش شاخص قیمت نهاده کشاورزی (کود) می شود.

۴. اعتبارات کشاورزی و درآمد ناخالص تولید کننده دارای تغییرات هم جهت هستند.

۵. افزایش اعتبارات اختصاص یافته به بخش کشاورزی بر دریافت اعتبارات در دوره بعد اثر مثبت

دارد.

۱-۴- پیشینه تحقیق:

کمبود سرمایه (اعتبارات) در کشورهای در حال توسعه هزینه فرصت آن را بالا می برد. هدف عمده ای که از اعطای اعتبارات توسط دولت و سازمانهای رسمی و غیر رسمی به کشاورزان مورد انتظار است بالا بردن درآمد و رفاه تولید کننده است. در این قسمت به مرور تعدادی از مطالعات انجام شده در زمینه اعتبارات در داخل کشور و سپس مطالعات خارجی پرداخته شده است.

۱-۴-۱- مطالعات داخلی:

یونسی (۱۳۶۷) در مطالعه ای به بررسی تنگناها و ناهماهنگی های اعتبارات بخش کشاورزی پرداخته است. نتایج این مطالعه نشان داد، اگر چه به دلیل وجود موسسات اعتباری تا اندازه ای مشکل مالی تولیدکنندگان کشاورزی برطرف می شود ولی به دلیل اینکه هر یک از موسسات مزبور بر حسب ضوابط و مقررات مالی خود نسبت به اعطای اعتبار اقدام می نمایند این عمل موجب چندگانگی سیستم اعتباری و سردرگمی کشاورزان می شود. از طرفی کارایی منابع در بهتر به ثمر رساندن اهداف رشد و توسعه کشاورزی، به دلیل ناهماهنگی مورد تردید قرار می گیرد. لذا ضرورت تامین و تمرکز اعتبارات کشاورزی در یک موسسه با توجه به محور بودن کشاورزی محسوس تر است. چرا که باعث جهت دادن به اعتبارات پرداختی به منظور تحقق اهداف و سیاست ها و برنامه توسعه کشاورزی می شود و همچنین موسسه (بانک کشاورزی) به عنوان تنها منبع تامین و توزیع، اطلاعات دقیق و موثق تری در مورد متقاضیان بانکی دارد و از دوباره کاری و همچنین کاهش هزینه هایی که کشاورز صرف گرفتن وام می کند با متمرکز شدن از بین می رود و معیارها و ضوابط گوناگون منتفی می شود. همچنین ناهماهنگی و عدم توازن منطقی بین تشکیل سرمایه ثابت ناخالص با سهم ارزش افزوده بخش کشاورزی در کل تولید ناخالص داخلی، عدم وجود شرایط و انگیزه لازم برای سرمایه گذاری در بخش مزبور را نشان می دهد.

مطالعه نجفی (۱۳۷۱) نشان داد که کشاورزان بزرگتر از اعتبارات بیشتری برخوردارند. علاوه بر این، هزینه های اخذ وام علاوه بر پرداخت کار مزد، هزینه های فرصت زمانی و هزینه ایاب و ذهاب در مورد وام

های کوچک این هزینه درصد کمی از هزینه های وام را در بر می گیرد و با بزرگ شدن اندازه وام این هزینه ها افزایش می یابد.

به باور شادی طلب (۱۳۷۲) سیاستهای بعد از انقلاب در عین حالی که حاکی از حمایت کشاورزان است. اما به دلیل همه جانبه نبودن آن موجب عقب ماندگی درآمد کشاورزان نسبت به شاغلین سایر بخشهای اقتصادی شده است. توزیع اعتبارات بانکی سایر بخشهای اقتصادی نسبت به بخش کشاورزی بیشتر است. در چنین شرایطی ارائه اعتبارات در بخش کشاورزی نمی تواند منجر به تشکیل سرمایه و تغییر بنیادی در ظرفیتهای تولید شود و بدون سرمایه گذاری ها اثر اعتبارات بسیار کند و کم است.

قوامی (۱۳۷۴) با استفاده از مدل خطی اقتصاد سنجی، تاثیر اعتبارات را بر سطح تولید عمده ترین محصولات زراعی مورد بررسی قرار داده است. در این مطالعه، اعتبارات به عنوان متغیر مستقل در تابع تولید وارد شده و نتایج حاصل از تخمین نشان داد که ضریب متغیر اعتبارات بعد از عامل زمین در درجه دوم اهمیت قرار دارد.

مطالعه جهان دوست (۱۳۷۵) نشان داد. در مناطقی که دانش استفاده صحیح از عوامل تولید و استعدادهای بالقوه طبیعی، در سطح قابل قبولی وجود دارد و نیاز اصلی روستائیان، کمبود سرمایه و اعتبار می باشد، تاسیس صندوقی به نام صندوق اعتبارات روستایی می تواند جواب گوی نیازهای مالی کشاورزان باشد. اگر چه، در حال حاضر منابع اعتباری زیادی وجود دارد که به روستائیان وام می دهند، ولی کافی نیست. بنابراین تاسیس صندوقی که بتواند روستائیان را از دست قوانین دست و پا گیر آزاد کند ضروری است.

نتایج حاصل از مطالعه خطی (۱۳۷۵) بیانگر آن است که سهم کشاورزی از اعتبارات عمرانی کشور تناسبی با اهمیت اقتصادی_سیاسی این بخش ندارد. به عقیده او، از منابع موجود در کشاورزی به طور موثر و کامل استفاده نمی شود و این موجب خواهد شد که در آینده نیاز به واردات محصولات کشاورزی افزایش یابد.

نسرین دوست (۱۳۷۵) در مطالعه ای به بررسی ارتباط سرمایه گذاری دولتی و سرمایه گذاری در بخش خصوصی پرداخت. و نتایج حاصل از برآورد الگوی سرمایه گذاری بخش خصوصی کشاورزی ایران در طی دوره ۱۳۷۱-۱۳۵۱ را به صورت زیر ارائه نمود:

$$IP = f(IG, IF, PT, PR)$$

که در آن:

IP: سرمایه گذاری بخش خصوصی

IG: سرمایه گذاری بخش دولتی

IF: سرمایه گذاری تسهیلات بانکی

PT: نرخ تورم عمده فروشی

PR: نرخ سود بانکی بخش کشاورزی می باشد.

نتایج این مطالعه نشان داد که سرمایه گذاری دولتی در این بخش، بدون وقفه و یا با یک وقفه تاثیر منفی ولی با دو وقفه زمانی، تاثیر مثبت روی سرمایه گذاری خصوصی در کشاورزی خواهد داشت. این مطلب با توجه به سرمایه گذاری های زیر بنایی دولت در این بخش قابل توجیه است. ضرایب مدل برای اعطای تسهیلات بانکی، نسبت قیمت عمده فروشی به هزینه تولید مثبت و معنی دار است. در این مدل بر خلاف تئوریهارابطه نرخ سود بانکی مثبت و رقم بزرگی را نشان می دهد.

ایران نژاد (۱۳۷۵) در مطالعه ای شکاف عمیق بین عرضه و تقاضای اعتبارات برای سرمایه گذاری های کوتاه مدت و بلند مدت بخش کشاورزی را نشان داد. به عقیده وی، با مقایسه مجموع درآمدهای بخش کشاورزی و هزینه های این بخش، می توان تقاضای اعتبارات را برآورد کرد. بر این اساس، اگر درآمد بخش کشاورزی از مجموع هزینه های آن بیشتر باشد، نتیجه آن وجود مازاد پس انداز خواهد بود. اما اگر با کمبود پس انداز مواجه باشیم، در این صورت نیاز به تامین کسری از طریق اعتبارات وجود دارد. این فاصله در واقع نشان دهنده تقاضای بالقوه این بخش برای اعتبارات می باشد. مقایسه تقاضا برای اعتبارات سرمایه ای و اعتبارات جاری با عرضه این اعتبارات توسط وی نشان داد که در برنامه دوم توسعه ۴۸/۷٪ از تقاضای

اعتبارات بخش کشاورزی تامین شده است. علاوه بر این، در این مدت سیستم بانکی نیز پاسخگو تنها ۴۰٪ از تقاضای اعتبارات سرمایه ای و ۵۰٪ از اعتبارات جاری بخش کشاورزی بوده است.

یزدانی (۱۳۷۵) تاثیر اعتبارات کشاورزی بر تغییر ساختار کشاورزی در ایران را با استفاده از تابع تولید ترانسلوگ مطالعه نموده است. در این مطالعه وی فرض کرد که کشاورزی که وام دریافت کرده از کارائی بالاتری نسبت به کشاورزی که وام دریافت نکرده است برخوردار است. و نتیجه گرفت که انتقال تابع تولید کشاورزانی که وام دریافت کرده اند بخاطر تغییر در عرض از مبدا بوده و اعتبارات موجب جایگزینی تکنولوژی سرمایه بر به جای تکنولوژی کاربر می شود.

امینی و فلیحی (۱۳۷۷) وضعیت سرمایه گذاری در بخش کشاورزی را بررسی نمودند. در این الگو سرمایه گذاری در بخش کشاورزی را تابعی از درآمدهای نفتی، اعتبارات اعطایی بانکها به بخش کشاورزی، شاخص قیمت نسبی محصولات کشاورزی و موجودی سرمایه در بخش کشاورزی با یک وقفه زمانی تعریف کردند. نتایج مطالعه نشان داد که افزایش درآمدهای نفتی موجب افزایش اندکی در سرمایه گذاری در بخش کشاورزی می شود و این افزایش از طریق اعتبارات عمرانی و سرمایه گذاری از طریق زیربناها زمینه های لازم را برای تشویق سرمایه گذاری خصوصی فراهم می کند با وجود تاثیر مثبت افزایش اعتبارات بانکی بر سرمایه گذاری، بیشترین تاثیر مربوط به شاخص قیمتها می باشد. در نتیجه اگر قیمت کالاهای کشاورزی افزایش یابد سرمایه گذاری در بخش کشاورزی بیشتر تشویق خواهد شد و در نهایت رشد تولید و اشتغال در این بخش را بدنبال خواهد داشت.

ترکمانی و احمدپور (۱۳۷۷) به منظور تخمین تابع تقاضای اعتبارات، ابتدا تابع سود را بر حسب قیمت هر واحد محصول محاسبه نموده و سپس با استفاده از قضیه شفره، تابع تقاضای اعتبار مورد نیاز جهت سرمایه گذاری از تابع سود واحد محصول قیمت استخراج کردند. نتایج حاصل از تخمین تابع تقاضای اعتبارات نشان داد که کشش برای اعتبارات نسبت به هزینه ها نهاده ها و همچنین محصول بالا، اما عکس یکدیگر است. علاوه بر آن نشان دادند که متغیرهای نیروی کار خانوادگی و ساعات کار ماشین آلات اثر مثبتی بر تقاضای وام دارد. در حالیکه سود سال گذشته دارای اثر منفی بر تقاضا برای اعتبارات است.